

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۳۱

نویسنده: ن . جلیل زاد

## نشست چهار جانبه اسلام آباد صحنه سازی یک نظام فاسد و بحران ساز



نقد تاریخی و سیاسی نقش پاکستان در بی ثباتی منطقه نشست چهار جانبه ای که در ( اسلام آباد — انگلیس آباد ) ، برای بحث پیرامون جنگ امریکا، اسرائیل و ایران برگزار شد، در ظاهر یک حرکت دیپلماتیک است، اما در بطن خود، تناقضی عمیق و تاریخی را آشکار می سازد، کشوری که دهه هاست در تولید، تجهیز و مدیریت گروه های مسلح تروریست نقش داشته، امروز در قامت «میانجی صلح» ظاهر می شود .

این تناقض، نه فقط طنز تلخ سیاست منطقه، بلکه بازتاب ساختار قدرتی است که از بحران تغذیه می کند ، چاق و فربه می شود و از بی ثباتی سود می برد.

پاکستان تروریست پرور

میانجی صلح یا معمار بحران؟

پاکستان از زمان تأسیس تا امروز، سیاست خارجی خود را بر سه ستون استوار کرده است:

۱ (نظامی گری بی رحم و قاتل

۲ (عمق ستراتیژیک از طریق گروه های نیابتی

۳ (وابستگی مالی به قدرت های جهانی

این سه ستون، در کنار هم، کشوری را ساخته اند که در ظاهر «دولت» است، اما در عمل، ساختاری امنیتی، استخباراتی بر آن حکم می راند .

اوردوی قاتل پاکستان، که در تاریخ این کشور بارها دولت های منتخب را سرنگون کرده، امروز نیز مهم ترین بازیگر سیاست داخلی و خارجی است .

چنین ساختاری، به جای تولید ثبات، بحران را به ابزار سیاست خارجی تبدیل کرده است.

نشست اسلام آباد نیز در همین چارچوب قابل فهم است، صحنه سازی برای کسب مشروعیت بین المللی، در حالی که سیاست های عملی این کشور در تضاد کامل با صلح و ثبات منطقه است.

تناقض آشکار

صلح خواهی در بیرون،

خشونت در داخل و مرزها

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

در روزهایی که اسلام آباد میزبان نشست صلح است، همان دولت فاسد و همان ارتش قاتل، به طور پیهم مناطق مرزی افغانستان را بمباران می کند.

گزارش های مستقل نشان می دهد که در حملات اخیر، مراکز درمانی و مناطق مسکونی هدف قرار گرفته و صدها غیرنظامی ما کشته و زخمی شده اند.

این رفتار، نه حادثه تصادفی، بلکه ادامه یک الگوی تاریخی است:

حملات مرزی

نقض حاکمیت همسایگان

استفاده از گروه های نیابتی

فشار سیاسی از طریق بی ثبات سازی

این الگو، در دهه های گذشته، بارها تکرار شده است.

از افغانستان تا هند، از ایران تا بنگلادش، هیچ همسایه ای از سیاست های تروریستی و امنیتی پاکستان در امان نبوده است.

پیشینه تاریک

از ۱۹۷۱ تا امروز

برای فهم نقش پاکستان در بحران های منطقه، باید به تاریخ بازگشت.

یکی از تاریک ترین فصل ها، جنگ استقلال بنگلادش (۱۹۷۱) است.

گزارش های سازمان های بین المللی، محققان مستقل و اسناد تاریخی، همگی بر وقوع موارد گسترده زیر تأکید دارند:

کشتار غیرنظامیان

تجاوز سیستماتیک

سرکوب سیاسی

پاکسازی قومی

این وقایع، نه فقط لکه ننگی در تاریخ منطقه، بلکه نشان دهنده ماهیت ساختار نظامی پاکستان است. ساختاری که در آن، خشونت ابزار مشروع سیاست تلقی می شود.

در دهه های بعد، همین شیوه ای برخورد در قالب های جدید ادامه یافت:

حمایت از گروه های مسلح در افغانستان

استفاده از «عمق استراتژیک» برای فشار بر کابل

حمایت از گروه های افراطی در کشمیر

مداخله در سیاست داخلی کشورهای همسایه

ایجاد بی ثباتی به عنوان ابزار چانه زنی با غرب

این سیاست ها، نه تنها به صلح کمک نکرده، بلکه دایره ای خشونت و بی اعتمادی را در سراسر منطقه تقویت کرده است.

پاکستان و بازی دوگانه با غرب

یکی از مهم ترین ابعاد سیاست خارجی پاکستان، بازی دوگانه با امریکا و بریتانیا است.

این کشور، از یک سو، خود را شریک استراتژیک غرب معرفی می کند و میلیاردها دلار کمک نظامی و اقتصادی دریافت می کند، از سوی دیگر، گروه هایی را حمایت می کند که امنیت منطقه و جهان را تهدید می کنند.

این دوگانگی، بارها در گزارش های رسمی امریکا نیز مطرح شده است.

در اسناد منتشر شده وزارت دفاع و وزارت خارجه امریکا، بارها اشاره شده که دستگاه امنیتی پاکستان با گروه های مسلح همکاری داشته اند.

نشست اسلام آباد نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. تلاش برای کسب مشروعیت بین المللی و دریافت امتیازات مالی، در حالی که سیاست های عملی این کشور همچنان بحران زا است.

تمایز میان مردم و ساختار قدرت

در یک تحلیل منصفانه، باید میان مردم پاکستان و ساختار نظامی استخباراتی این کشور تفاوت قائل شد.

مردم پاکستان، خود قربانی فقر، ناامنی، فساد و افراط گرایی اند.

بسیاری از روشنفکران، روزنامه نگاران و فعالان مدنی پاکستانی، سال هاست که علیه سیاست های ارتش و ISI مبارزه می کنند.

صدها خبرنگار و فعال سیاسی در این کشور کشته، زندانی یا ناپدید شده اند.

بنابراین، نقد ما متوجه ساختار قدرت است، نه مردم عادی.

چرا منطقه به پاکستان بی اعتماد است؟

بی اعتمادی افغانستان، هند، ایران و حتی کشورهای عربی به پاکستان، ریشه در تجربه تاریخی دارد. این بی اعتمادی، نه احساسات لحظه‌ای، بلکه نتیجه دهه‌ها سیاست‌های زیر است:

استفاده از گروه‌های نیابتی

نقض مرزها

حمایت از افراط‌گرایی

بازی دوگانه با غرب

بی‌ثبات‌سازی همسایگان

پنهان‌کاری استخباراتی

عدم پاسخ‌گویی ارتش

در چنین شرایطی، ادعای «میانجی‌گری صلح» از سوی اسلام‌آباد، برای بسیاری از کشورها نه‌باورپذیر است و نه قابل اعتماد.

آینده منطقه

بدون اصلاح ساختار قدرت در پاکستان

تا زمانی که ساختار نظامی استخباراتی پاکستان اصلاح نشود، صلح پایدار در منطقه دشوار خواهد بود.

افغانستان نمی‌تواند در کنار کشوری آرام باشد که از خاک آن گروه‌های مسلح تغذیه می‌شوند.

هند نمی‌تواند به کشوری اعتماد کند که سیاست‌کشمیر را ابزار فشار می‌داند.

ایران نمی‌تواند نسبت به کشوری بی‌تفاوت باشد که در مرزهایش بی‌ثباتی تولید می‌کند.

حتی خود مردم پاکستان نیز نمی‌توانند در سایه ساختاری زندگی کنند که اقتصاد را گروگان سیاست امنیتی کرده است.

صلح‌سازی با صحنه‌سازی متفاوت است

نشست اسلام‌آباد، بیش از آن که گامی برای صلح باشد، تلاشی برای بازسازی چهره بین‌المللی پاکستان است.

اما تاریخ نشان داده که صلح با صحنه‌سازی به دست نمی‌آید، صلح زمانی ممکن است که:

سیاست خارجی بر اساس احترام متقابل باشد

گروه‌های نیابتی منحل شوند

مرزها محترم شمرده شوند

ارتش از سیاست کنار گذاشته شود

مردم منطقه به جای بی‌اعتمادی، احساس امنیت کنند

تا آن زمان، ادعای صلح خواهی از سوی ساختاری که دهه‌هاست بحران تولید می‌کند، نه تنها باورپذیر نیست، بلکه توهین به حافظه جمعی منطقه است.

افغانستان

و سایه سنگین ساختار نظامی پاکستان

نقش پاکستان در بحران‌های منطقه، زمانی به درستی فهمیده می‌شود که آن را از زاویه افغانستان ببینیم، کشوری

که بیش از هر همسایه دیگر، قربانی مستقیم سیاست‌های امنیتی، استخباراتی اسلام‌آباد بوده است. نشست چهارجانبه

اخیر در اسلام‌آباد، که در ظاهر برای «صلح» برگزار شد، برای افغان‌ها چیزی جز طنز تلخ تاریخ نیست، زیرا

کشوری که دهه‌هاست جنگ را به افغانستان صادر کرده، امروز در نقش میانجی صلح ظاهر می‌شود.

افغانستان

میدان آزمایش سیاست‌های نیابتی

از دهه ۱۹۸۰ تا امروز، افغانستان به آزمایشگاه سیاست‌های امنیتی پاکستان تبدیل شده است. ساختار نظامی،

استخباراتی پاکستان، با استفاده از گروه‌های نیابتی، افغانستان را به میدان رقابت‌های ژئوپلیتیکی بدل کرد.

گروه‌های مسلح جهادی در خاک پاکستان آموزش دیدند

رهبران‌شان در شهرهای پاکستان آزادانه فعالیت کردند

منابع مالی و تسلیحاتی از کانال‌های رسمی و غیررسمی جریان یافت

مرزها به صورت سیستماتیک نقض شد

این سیاست ها، نه برای امنیت پاکستان، بلکه برای عمق استراتژیک طراحی شده بود. عمقی که هزینه اش را مردم افغانستان با خون، آوارگی و ویرانی پرداختند.

تناقض آشکار

صلح‌خواهی در گفتار، جنگ‌سازی در عمل

در حالی که اسلام‌آباد میزبان نشست صلح است، همان ساختار نظامی، مناطق مرزی افغانستان را بمباران می‌کند. حملاتی که در آن، خانه‌ها، شفاخانه‌ها و مراکز درمانی هدف قرار گرفته‌اند. این رفتار، ادامه همان الگوی تاریخی است که افغانستان را دهه‌ها در آتش ننگه داشته است. برای افغان‌ها، ادعای صلح‌خواهی از سوی ساختاری که:

مرزها را نقض می‌کند

گروه‌های مسلح را پشتیبانی می‌کند

از بی‌ثباتی سود می‌برد

و در برابر خون افغان‌ها هیچ پاسخی ندارد

نه تنها غیرقابل باور است، بلکه توهین به حافظه جمعی افغانستان است.

اقتصاد جنگ

پاکستان چه می‌خواهد؟

ساختار نظامی پاکستان، سال‌هاست که از بحران به عنوان منبع درآمد استفاده می‌کند. هر بار که منطقه به بحران نزدیک می‌شود، اسلام‌آباد در نقش «میانجی» ظاهر می‌شود و از قدرت‌های جهانی امتیاز مالی و سیاسی می‌گیرد.

این بازی دوگانه، حمایت از بی‌ثباتی و ادعای صلح، در افغانستان بیش از هر جای دیگر آشکار است.

افغانستان، در این بازی، نه شریک سیاسی، بلکه ابزار فشار بوده است.

هرگاه کابل مستقل‌تر شده، فشارهای مرزی، حملات نیابتی و بی‌ثبات‌سازی افزایش یافته است.

مردم پاکستان

قربانیان خاموش

در یک تحلیل منصفانه، باید گفت که مردم پاکستان، مانند مردم افغانستان، قربانی همین ساختارند.

فقر

افراط‌گرایی

سرکوب سیاسی

سانسور

ناپدیدسازی فعالان

همه نشان می‌دهد که مشکل، ملت پاکستان نیست. مشکل، ساختار نظامی، استخباراتی است که سیاست خارجی را گروگان گرفته است.

افغانستان و ضرورت بازتعریف رابطه

افغانستان برای رسیدن به ثبات پایدار، نیازمند رابطه‌ای است که بر اساس:

احترام متقابل

عدم مداخله

پایان حمایت از گروه‌های نیابتی

و شفافیت امنیتی

تعریف شود.

تا زمانی که این اصول رعایت نشود، هر نشست صلحی، چه در اسلام‌آباد، چه در هر پایتخت دیگر، تنها صحنه‌سازی سیاسی خواهد بود.

واپسین گپ

افغانستان حق دارد نسبت به ساختاری که دهه‌هاست خون افغان‌ها را ابزار سیاست خارجی کرده، بی‌اعتماد، خشمگین و محتاط باشد.

نقد این ساختار، نه نفرت‌پراکنی، بلکه دفاع از حق حاکمیت، امنیت و کرامت مردم افغانستان است.

صلح واقعی زمانی آغاز می‌شود که پاکستان، به جای صحنه‌سازی، دست از سیاست‌های بحران‌ساز و ردیالانه‌اش بردارد و منطقه را از سایه سنگین نظامی‌گری رها کند.

آرشيف: مطالب نشر شده ن. جليل زاد

---

د پانو شميره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاره ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ